

تحلیل تفسیری اندیشه آیه در گفتمان قرآن

سید هدایت جلیلی*

زهرا سادات موسوی**

چکیده

اندیشه‌ورزی درباره اعجاز قرآن در گستره تاریخ اندیشه اسلامی، گفتمانی حول قرآن فراهم آورده است. در اینکه این گفتمان، چه نسبتی با خود گفتمان قرآن دارد؟ و آیا این گفتمان ادامه و بسط گفتمان قرآنی است یا از گفتمان قرآنی فاصله گرفته است؟ برخی تصور می‌کنند تفاوت مورد بحث فقط در سطوح ظاهری و در تفاوت‌های مفهومی و واژگانی است و «آیه» و «معجزه» به یک معنا و مدعا اشارت دارند. اما تحلیل و مقایسه مختصات دو گفتمان مذکور نشان می‌دهد حضور مسلط مفهوم آیه در قرآن و سیطره مفهوم معجزه در گفتمان پساقرآنی را نمی‌توان به تفاوت دو واژه مترادف فروکاست. تفاوت و تحول میان اندیشه قرآنی و پساقرآنی در باب اعجاز قرآن در حد تفاوت گفتمانی است. در جهان‌نگری قرآنی همه هستی حتی رخدادهای اعجاز‌آمیز، آیه و نمود پروردگار است؛ اما گفتمان پساقرآنی، گفتمانی جدلی کلامی است که این شاخصه ممتاز آیت‌اندیشی قرآن را نمایندگی نمی‌کند. آیات در گفتمان قرآنی، کارکردی توحیدی دارند اما معجزات در گفتمان پساقرآنی، کارکردشان اثبات صدق نبی است و این، چرخش مهم و معناداری است.

واژگان کلیدی

آیه، معجزه، گفتمان قرآنی، گفتمان پساقرآنی.

drjalili@khu.ac.ir

zsadatmusavi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۷

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی.

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع) (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۶

طرح مسئله

خدای متعال در آخرین کتاب آسمانی - قرآن - همه هستی و رخدادهای آن به مثابه آیات و نشانه‌های خود قلمداد می‌کند تا از رهگذر آن بشر را به شناخت و پرستش خدای یگانه دعوت کند. از جمله این نشانه‌ها رخدادهای خلاف عادت است که از سوی رسولان به اذن الهی در انظار عموم صورت می‌گیرد تا نشانگر ارتباط خاص آنها با خالق هستی باشد.

همچنین قرآن، پاره‌های خود را آیات پروردگار می‌نامد و بدین رو، در گفتمان قرآنی، کتاب طبیعت و کتاب شریعت به یکسان، آیات و نشانه‌های پروردگار محسوب می‌گردد. این در حالی است که متکلمان پاره‌ای از این رخدادهای هستی را که امری غیرمتعارف و خلاف عادت به حساب می‌آورند، از سایر رخدادهای جدا کرده و نام «معجزه» بر آن نهاده‌اند. در این میان در شمار و در ذیل همین نام به تبیین و توضیح کتاب قرآن پرداخته‌اند.

پژوهش حاضر در مقام گزارش و تبیین گفتمان آیه‌محور قرآن است و می‌کوشد با اشاره به گفتمان معجزه‌محور پساقرآن به تمایز و تفاوت گفتمان قرآنی انگشت تأکید نهد.

پیشینه پژوهش

اعجاز بحثی فراگیر و دامنه‌دار است که همواره در حوزه علوم قرآنی، مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است. ۳۱۴ کتاب مستقل و ۱۷۱ کتاب فارسی و عربی مرتبط با این موضوع به چاپ رسیده است. البته در اکثر تفاسیر قرآنی، به تناسب آیات، از تحدی گرفته تا وجوه اعجاز، در این مورد مسائلی مطرح شده است. بیش از ۲۰۰۰ پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد و بیش از ۱۰۰ رساله در مقطع دکتری، در این حوزه نگاشته شده است.

در خصوص چارچوب کلی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها با محوریت اعجاز قرآن، باید گفت: با وجود پیش‌و کم شدن قیود واژه اعجاز در عنوان این تحقیق‌ها، محتوای اغلب آنها، در قالب یکسانی ریخته شده است. بدین ترتیب که از بحث آیات تحدی به عنوان خاستگاه بحث اعجاز، آغاز می‌شود و سپس نظریات اعجاز در طول بیش از ده قرن، در دو دسته کلاسیک و معاصر بررسی می‌شود و آرای صاحب‌نظران در این حوزه از ادیبان و متکلمان و مفسران تشریح می‌شود. اما رساله دکتری نرجس موسوی با عنوان «بررسی تطبیقی مفهوم و کارکرد آیه در قرآن و عهدین»، نمونه شایان توجهی است که نگاهی نو به این‌گونه مباحث دارد. وی پس از بحث مفصل در خصوص ریشه آیه و بررسی مفهوم آن در دوره قبل و پس از اسلام، به مطالعه آن در عهدین می‌پردازد و سپس مفهوم آیه و یا تعبیر کلامی معجزه را در اندیشه

اسلامی و همچنین فلسفه یهود و مسیح واکاوی می‌کند و در نهایت در قرآن به جستجوی معنای آیه و تشریح و تصور قرآنی آن می‌پردازد و دلیل حقانیت قرآنی را در آیات دیگری غیر از آیات موسوم به تحدی می‌یابد. از جمله آنکه موارد متعدد تصدیق قرآن در تورات و انجیل را به شهادت قرآن یادآور می‌شود. مقاله حاضر، درعین اشتراک با این اثر در نوع نگاه به مفهوم آیه در قرآن، با گزینش آیات و نشانه‌هایی که پس از سه قرن از نزول قرآن موسوم به معجزه شدند، درصدد مقایسه حدود و ثغور آنها با آنچه متکلمان و مفسران از این آیات تعبیر و تفسیر کرده‌اند، برآمده است.

آشکاراست که به لحاظ تاریخی، گفتمان پساقرآنی در باب اعجاز، مسبوق و متأخر از گفتمان قرآنی در باب اعجاز است. با این حال، از آن‌رو که ذهنیت غالب و حاکم در سپهر باور مسلمانان، از آن گفتمان پساقرآنی است، بهتر آن است که اندیشه اعجاز در گفتمان پساقرآنی را به اجمال مرور کرد، آنگاه شاخصه‌های اعجاز در گفتمان قرآنی را بیان کرد و در گام نهایی، نشان داد این دو گفتمان چه تفاوت‌های چشم‌گیری دارند؟

اندیشه اعجاز در گفتمان پساقرآنی

یک. نگاهی تاریخی

بررسی فضای فکری و اجتماعی خاستگاه بحث اعجاز، در فهم بهتر چگونگی پیدایش و تطورات این نظریه بسیار مؤثر است. در قرن نخست هجری از واژه اعجاز اثری نبود. این بحث از ابتدای قرن سوم یا اواخر قرن دوم شروع شد.

در قرن سوم، ادیبان عرب، قرآن را چون اثری ادبی نگرستند و جهات فصاحت و بلاغت و سایر مسائل زیبایی‌شناسی ادبی در قرآن را برجسته کردند.

بذر اندیشه اعجاز، ابتدا با تکیه بر وجوه ادبی، از سوی ادیبان عرب کاشته شد و در جریان دفاع از نبوت پیامبر اسلام، به یاری متکلمان مسلمان، آبیاری شد، چراکه متکلمان یهود و نصارا، شبهاتی بر صدق نبوت حضرت محمد ﷺ وارد کردند و در مقام قیاس آن حضرت با پیامبران خود برآمدند. اینجا بود که اندیشه متکلمان مسلمان - به خصوص اشاعره - با نظرات ادیبان پیوند خورد و در پاسخ به یهود و نصارا که نبوت حضرت محمد ﷺ را به خاطر نداشتن معجزه رد می‌کردند، وجه ادبی قرآن به مثابه معجزه حضرت محمد ﷺ معرفی شد و ساختار ادبی قرآن، خارق‌عادت‌ی دانسته شد که نه تنها به عصای موسی و دم مسیحا پهلو می‌زند، بلکه از آن بالاتر و برتر است. با این استدلال که معجزه پیامبر اسلام در حصار زمان محدود نیست و تا ابد باقی خواهد ماند و بر حقانیت نبوت حضرت محمد ﷺ،

گواهی خواهد داد. در ادامه این رخداد است که در کنار فصاحت و بلاغت و به‌طور کلی نظم قرآن، خبر از غیب و آینده را نیز به مثابه جنبه‌های دیگری از اعجاز قرآن افزودند.

به موازات تلاش‌های باقلانی در مناظره با یهود و نصارا، افراد دیگر نیز با نگارش آثاری با عنوان *دلائل النبوة* در دو حوزه، ردیه‌نویسی کردند: یکی در میدان مبارزه و مقابله با مدعیان دروغین نبوت و همچنین کسانی که ادعای تقلید قرآن را داشتند و دیگری در جبهه‌ای که دشمنان آن، نبوت حضرت محمد ﷺ و فضائل ایشان را انکار می‌کردند. (دیاری بیدگلی، ۱۳۸۵: ۲۵۶)

افزون بر توجه ادیبان به قرآن در اواخر قرن سوم و همچنین جدال متکلمان سه دین ابراهیمی: یهود، مسیحیت و اسلام، مسئله دیگر، اختلاف‌های فرقه‌ای اشاعره و معتزله بود که با دودستگی درونی این فرقه‌ها، تشدید می‌شد.

از جمله، مناقشه‌ها درباره خلق قرآن که با ادعای تقلیدناپذیری قرآن مرتبط بود، مسئله بسیار قابل توجه در تاریخ اندیشه اسلامی است. از این رو سده سوم و چهارم زمان نظریه‌پردازی‌ها و مجادله‌های جدی کلامی میان مذاهب اسلامی و بین جوامع دینی مسلمان و غیرمسلمان بود. در این دوره بود که خطوط اصلی استدلال‌های مربوط به مسئله کلامی ادله اثبات نبوت محمد ﷺ و معرفی قرآن به‌عنوان مهم‌ترین گواه نبوت پیامبر ﷺ بسط یافت.

قرن چهارم را باید، دوره پیوند نظریات کلامی با تفسیر قرآن دانست. روی هم رفته می‌توان گفت نظریات متکلمان در باب نظم قرآن و فصاحت و بلاغت آن در نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم به قدر کافی قوام گرفته، ریشه‌دار شد که از طلایه‌داران آن می‌توان به باقلانی (۴۰۳ ق) و شیخ مفید (۴۱۳ ق) و شریف مرتضی (۴۳۶ ق) و جرجانی (۴۷۴ ق) اشاره کرد. البته جرجانی، قید جدیدی به نظریات هم‌فکران خود در مسئله نظم قرآن افزود و با الحاق معنا به لفظ در *دلائل الاعجاز* خود، فاتح بابی نو در اندیشه اعجاز قرآن شد.

قرن پنجم دوره توجه بیشتر متکلمان در مسئله اعجاز و دوره‌ای طلایی محسوب می‌شود؛ چراکه علوم فلسفی و عقلی بعد از پایان دوران نهضت ترجمه به مرحله بالندگی و بلوغ خود دست یافت. قرون میانه با دغدغه اصلی متکلمان در حوزه‌های اعجاز و نظم قرآن سپری شد و تحت تأثیر نظریه عبدالقاهر جرجانی گفتمان بلاغت خاص قرآن غالب شد. نقطه عطف مهم دیگری که در این دو سده در موضوع اعجاز قرآن مطرح شد، نظریه صرفه است که در جای خود اهمیت به‌سزایی دارد. قرن دهم تا ابتدای چهاردهم، اندیشه اعجاز نقطه عطف مهمی را پشت سر گذاشته است و دچار نوعی رکود و ایستایی شده است.

قرن سیزدهم با تألیفاتی اندک در این خصوص، به قرن چهاردهم و پانزدهم پیوند خورد که در آن اعجاز علمی در قله وجوه اعجاز خودنمایی می‌کرد و مفسران در پی تطابق‌دهی آیات قرآن با علوم و دانش روز برمی‌آمدند و در همین راستا، به اعجاز عددی قرآن و اعجاز در آهنگ و صوت آن نیز اشاره می‌کردند. (دیاری بیدگلی، ۱۳۸۵: ۱۴۰)

دو. تصور پساقرائی از معجزه

کوشش‌ها در تبیین معجزه بودن قرآن و نیز نشان دادن وجه یا وجوه اعجاز قرآن، قاعده‌تاً باید بر تصویری از اعجاز و معجزه مبتنی باشد. متکلمان و فیلسوفان مسلمان این وظیفه مهم را بر عهده داشتند. حاصل کوشش‌های متکلمان و فیلسوفان مسلمان در ارائه تعریفی روشن و استوار از معجزه چندان فاصله‌ای با سنت اندیشگی یهودی و مسیحی نداشت؛ الا اینکه فیلسوفان و متکلمان برای این مقوله کارکردی پیامبرشناسانه دادند؛ درحالی‌که در سنت یهودی و مسیحی، معجزه به مثابه برهان و بینه‌ای برای اثبات خدا به کار می‌رود. در همین راستا، متکلمان کوشیده‌اند در مقام تعریف و ارائه شاخصه‌ها و مؤلفه‌های معجزه، عناصری را بیاورند که کاملاً متناسب با نبوت خاصه پیامبر اسلام و معجزه ختمیه درآید. این بود که این جامه را به تن این مصداق دوختند.

بر طبق تعاریف معجزه می‌توان گفت که قیود و شروطی که متکلمان مسلمان برای اعجاز ذکر می‌کنند، به سه ویژگی مهم این‌گونه رویدادها که از دیدگاه دینی باید دارا باشند، اشاره دارد:

۱. در اعجاز، نوعی تخطی از روند طبیعت رخ می‌دهد که از آن عمدتاً به خرق عادت تعبیر می‌کنند؛
۲. اعجاز با ادعای مقام و منصب الهی همراه است؛
۳. رویداد اعجاز‌آمیز باید به‌گونه‌ای باشد که بتوان ارتباط آن را با ادعای نبوت به‌دست آورد و از همین روی آن را به شرایطی چون تحدی و تعذر معارضه مشروط می‌کنند.

در کنار این ویژگی‌ها رفته‌رفته، نکات و ملاحظات نیز افزوده شد.

سه. مسئله تحدی

پاره‌ای از مفسران که عمدتاً رویکرد کلامی داشته‌اند یا تحت تأثیر گفتمان جدلی کلامی قرار داشتند، در مقام فهم و تفسیر، از شش آیه از قرآن (قصص / ۴۹؛ یونس / ۳۸؛ هود / ۱۳؛ بقره / ۲۳؛ طور / ۳۴؛ اسراء / ۸۸) که مضمون نزدیک و مشترکی داشته‌اند به فهم و تفسیری رسیده‌اند که در تاریخ اندیشه کلامی و قرآنی به «تحدی» موسوم شده است. این تفسیر گرچه یک تفسیر در کنار سایر تفاسیر از آیات مذکور است، اما به تفسیری مسلط بدل شده است؛ اما چنانچه تفسیرهای معتبر رقیب را در

میان آوریم، به این امر اذعان خواهیم کرد که اندیشه تحدی در اصل متعلق به گفتمان پساقرآنی است، نه گفتمان قرآنی.

چهار. تمایزگرایی

گفتمان پساقرآنی می‌کوشد میان وحی بر پیامبر اسلام و سایر انبیا تمایز افکند. از جمله تلاش‌ها برای دستیابی به این هدف، طرح بحث اتحاد دلیل و مدلول است که در نتیجه آن، در میان تمامی انبیا، تنها وحی بر پیامبر خاتم، دلالت بر ارتباط وحیانی با خدا دارد، اما در مورد سایر انبیا، معجزاتشان چنین مدلولی می‌دهد. بنابر این بین دلیل و مدلول در مورد آنها، افتراق است بر خلاف پیامبر خاتم که آنجا سخن از اتحاد دلیل و مدلول است.

یکی دیگر از جنبه‌های تمایزگرا و ترجیح بخش گفتمان پساقرآنی توجه به جنس معجزه پیامبر اسلام ﷺ و تفاوت آن با معجزات سایر انبیا است. بدین معنا که قرآن معجزه‌ای عقلی برخلاف معجزات سایر انبیا است (سیوطی، ۱۴۰۸: ۲ / ۶) و دلیل این امر هم این گونه بیان می‌شود که چون مسلمانان نسبت به امم پیشین به بلوغ فکری رسیده بودند و به اصطلاح بشر دوره طفولیت خود را پشت سر گذاشته بود، دیگر نیازی به نشان دادن معجزات حسی برای مردم وجود نداشت.^۱ (باقلائی، ۱۳۵۸: ۲۵)

اندیشه آیه در گفتمان قرآن

قرآن برای بیان رخدادهای اعجاز‌آمیز از مفاهیم دیگری غیر از معجزه چون سلطان، بینه و عجب، بصیرت و برهان بهره برده است. البته واژه آیه با بیشترین کاربرد، رایج‌ترین اصطلاح قرآنی برای مفهوم اعجاز است.

درک درست اندیشه اعجاز در قرآن، آنگاه میسر است که این امر را در چارچوب کلان جهان‌نگری قرآن به نظاره بنشینیم؛ اینکه نگرش قرآن به کل هستی، اجزاء آن، رخدادهای غیرمتعارف و آنچه گفتمان قرآنی معجزه می‌نامد، چیست؟

سپس از آنجا که مباحث اعجاز در گفتمان پساقرآنی به قرآن معطوف شده است، در ذیل واکاوی جهان‌بینی قرآنی، نگرش قرآن به قرآن از خلال آیه‌های مربوطه ترسیم شده است تا قرآن نیز به‌عنوان یکی از آیات الهی با زبان خود معرفی شود و ابعاد قرآن در کلام نازل‌کننده آن شناخته شود.

۱. مسلمین آیات انبیا قبلی را نمی‌خواستند به خاطر فضل عقول و برائت از اغلاط فاحشه. وی دلیل دیگر برتری قرآن بر معجزات سایر انبیا را این گونه بیان می‌کند که بلاغت از امور مخلوقه هست و مکتسبه محسوب نمی‌شود اما باقی معجزات به ضرب من الحیله تمام شدند.

یک. هستی در آینه قرآن

قرآن همه هستی را - فارغ از امور معمول و متعارف هستی و اموری که در نگاه ما غیرمتعارف به‌شمار می‌آیند - به مثابه «آیه» می‌داند. گوهر و قلب جهان‌نگری قرآن، آیه‌بینی و آیه‌اندیشی است. در این جهان‌نگری، طبیعت، تاریخ، انسان و هرچه جز خدا، آیه است. مظاهر و جلوه‌های خلقت الهی، همگی آیه دانسته شده‌اند. از آن جمله موارد ذیل است:

الف) آفرینش آسمان و زمین

سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.
(جاثیه / ۱۳)

و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد همه از اوست. قطعاً در این امر برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است.
خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ. (عنکبوت / ۴۴)
خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. قطعاً در این آفرینش برای مؤمنان عبرتی است.

شب و روز

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ.
(یونس / ۶۷)

اوست کسی که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیارامید و روز را روشن گردانید. بی‌گمان، در این امر برای مردمی که می‌شنوند نشانه‌هایی است.
أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.
(نمل / ۸۶)

آیا ندیده‌اند که ما شب را قرار داده‌ایم تا در آن بیاسایند و روز را روشنی‌بخش گردانیدیم؟ قطعاً در این امر برای مردمی که ایمان می‌آورند مایه‌های عبرت است.
وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَلَّنَاهُ تَفْصِيلاً. (اسراء / ۱۲)

و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم. نشانه شب را تیره‌گون و نشانه روز را روشنی‌بخش گردانیدیم تا در آن، فضلی از پروردگارتان بجویید و تا شماره سال‌ها و حساب عمرها و رویدادها را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم.

ب) خلقت انسان

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ. (ذاریات / ۲۱)

و در خود شما پس مگر نمی بینید؟

أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ. (یس / ۷۷)

مگر آدمی ندانسته است که ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم، پس بناگاه وی ستیزه‌جویی آشکار شده است.

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ. (سجده / ۷)

همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد.

ج) خواب و مرگ

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَ يُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (زمر / ۴۲)

خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی بازمی‌ستاند و نیز روحی را که در موقع خوابش نمرده است، قبض می‌کند پس آن نفسی را که مرگ را بر او واجب کرده نگاه می‌دارد و آن دیگر نفس‌ها را تا هنگامی معین به سوی زندگی دنیا بازپس می‌فرستد. قطعاً در این امر برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی از قدرت خداست.

د) گشایش روزی

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. (زمر / ۵۲)

آیا ندانسته‌اند که خداست که رزق را برای هر کس که بخواهد، گشاده یا تنگ می‌گرداند؟ قطعاً در این اندازه‌گیری برای مردمی که ایمان دارند نشانه‌هایی از حکمت است.

ه) زنده شدن زمین پس از مرگش

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. (حدید / ۱۷)

بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. به راستی آیات خود را برای شما روشن گردانیده‌ایم، باشد که بیندیشید.

و) باران و خلقت ابر، وزش باده‌ها، آفرینش حیوانات

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. (بقره / ۱۶۴)

راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هرگونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و [نیز در] گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشند واقعا نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد.

ز) خورشید و ماه

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ. (یونس / ۶ - ۵)

اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد و برای آن منزل‌هایی معین کرد تا شماره سال‌ها و حساب را بدانید. خدا اینها را جز به حق نیافریده است. نشانه‌های خود را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کند. به راستی، در آمد و رفت شب و روز و آنچه خدا در آسمان‌ها و زمین آفریده، برای مردمی که پروا دارند دلایلی آشکار است.

ح) حرکت کشتی‌ها

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنَ الرِّيحَ فَيَظْلُنَّ رَوَاقِدَ عَلَيَّ ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ. (شوری / ۳۳)

اگر بخواهد باد را ساکن می‌گرداند و سفینه‌ها بر پشت آب متوقف می‌مانند. قطعاً در این امر برای هر شکیبایی شکرگزاری نشانه‌هاست.

در مورد آیاتی که از عذاب و هلاکت امت‌های پیشین سخن می‌گویند می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) هلاکت امت‌های پیشین

أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ. (سجده / ۲۶)

آیا برای آنان روشن نگردیده که چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنها نابود گردانیدیم که اینان در سراهایشان راه می‌روند؟ قطعاً در این امر عبرت‌هاست، مگر نمی‌شنوند؟

ب) عذاب قوم نوح

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ. (شعراء/۱۲۱)
 قطعاً در این ماجرا درس عبرتی بود، ولی بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

ج) آثار خرابی خانه‌های قوم لوط

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ. (عنکبوت/ ۳۵)
 و از آن شهر سوخته برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌ای روشن باقی گذاشتیم.

توجه دادن به احاطه زمین و آسمان بر کافران و اینکه خداوند قادر است آنها را در زمین فرو برد
 و یا قطعه‌ای از آسمان بر سر آنها فرود آورد:

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِن نَّشَاءُ نَخْسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ
 نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّبِينٍ. (سبأ/ ۹)
 آیا به آنچه از آسمان و زمین. در دسترسشان و پشت سرشان است ننگریسته‌اند؟
 اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می‌بریم، یا پاره سنگ‌هایی از آسمان بر سرشان
 می‌افکنیم. قطعاً در این تهدید برای هر بنده توبه‌کاری عبرت است.

باقی گذاشتن آیه و نشانه در قوم لوط پس از نزول عذاب برای آنها که از عذاب الیم می‌ترسند:

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ. (ذاریات/ ۳۷)
 و در آنجا برای آنها که از عذاب پر درد می‌ترسند، عبرتی به جای گذاشتیم.

مواردی که به‌عنوان مصادیق آیه در قرآن ذکر شده است، گاه به‌طور مشخص با عبارت «ان فی ذلك
 لآیه» متمایز و پررنگ شدند. این امر حاکی از آن است که تمامی این پدیده‌ها از زنبور عسل تا کشتی نوح
 و عصای موسی نقش نشانه دارند و نمودی از یک حقیقت هستند و از اوصاف الهی حکایت می‌کنند.
 همچنین آیاتی که خوف از عذاب الهی را یادآور می‌شوند، نشان و نمودی آخرت‌شناسانه دارند که
 به نوعی در ذیل هدف خداشناسانه تمام آیات قرار می‌گیرد؛ چراکه پس از پذیرش آیات خداشناسی،
 اعتقاد به معاد نیز حاصل خواهد شد. به بیان دیگر کارکرد آخرت‌شناسانه برخی از آیات، زیرمجموعه
 هدف خداشناسانه آیات دیگر قرار می‌گیرد.

دو. رخدادهای غیرمتعارف در آینه قرآن

رسولان در برخی موارد، افزون بر تذکر به پدیده‌های خلقت، به اذن الهی، مأمور به اجرای اموری

می‌شدند تا از رهگذر تفاوت این امور با آنچه مردم هر روز مشاهده می‌کردند، عوامل توجه و تأمل آنها فراهم گردد و بر وجود خالق یگانه اعتراف کنند. هرچند مسبوق بودن به اذن الهی وجه مشترک تمامی موارد است، اما در اجزا و مؤلفه‌های این رخدادها، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. امری از این جنس، لزوماً در حضور نبی و صرفاً به دست او صورت نگرفته است. به علاوه در برخی موارد، این امور در محضر اشخاصی غیر از رسول و نبی اتفاق افتاده است. در موارد حضور نبی نیز، گاه مخاطبان و قوم آن نبی نیز حضور دارند و گاه حضور ندارند. همچنین آنجا که در حضور قوم، به اذن الهی و به دست نبی، امری شگفت‌آور نشان داده می‌شود، از لحاظ زمانی لزوماً در آغاز رسالت نبی نبوده است. گاهی در میانه دوره رسالت و گاه در اواخر رسالت - با یک فاصله زمانی کوتاه، پس از طغیان و سرکشی و عدم‌پذیرش و ادامه استهزاء و تکذیب - رخداد غیرمتعارف از گونه عذاب و هلاکت قوم رخ داده است.

وجه مشترک تمامی این سه دسته پدیده‌های غیرمتعارف، آن است که آیات خداوند تلقی شده‌اند؛ همان‌گونه که همه هستی و سایر رخدادهای معمول و متعارف، «آیه» نامیده شده بودند. این امر حاکی از آن است که در گفتمان و جهان‌نگری قرآنی میان امور متعارف و غیرمتعارف از حیث نشانه و آیه بودن تفاوت و تمایزی دیده نمی‌شود.

در اینجا نکته مهمی که باید در نظر داشت، این است که آن رخدادهایی که گفتمان پساقرائی از آنها به‌عنوان «معجزه» یاد می‌کند و آنها را از سایر رخدادها متمایز و متفاوت می‌نشانند، در واقع بخشی از همین رخدادهای غیرمتعارفی بودند که در گفتمان قرآنی، مثل سایر رخدادها و هم‌سان با آنها، «آیه» قلمداد شدند.

سه. قرآن در آینه قرآن

در جهان‌بینی و گفتمان قرآنی، قرآن نیز همچون تمامی رخدادهای متعارف و غیرمتعارف هستی، آیه و نشانه‌ای خداشناسانه است. قرآن خود را با اوصاف بسیاری یاد کرده است. آیات بسیاری از قرآن به دلالت صریح یا التزامی بیانگر اوصافی از قرآن هستند.

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً. (بینه / ۲)

فرستاده‌ای از جانب خداوند که صحیفه‌هایی پاک را تلاوت می‌کند.

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَ الْقُرْآنِ مُبِينٍ. (حجر / ۱)

الر. این آیات بلندمرتبه آیات کتاب الهی و آیات قرآن روشن‌نگر با عظمت است.

الف) هدی

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ. (جاثیه / ۱۱)

این قرآن سراسر هدایت است؛ و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، آنان را عذابی است از نوع عذابی بسیار سخت و دردناک.

ب) بشری

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِم مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَي هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ. (نحل / ۸۹)

و یاد کن روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان بر آنان برمی‌انگیزیم و تو را ای پیامبر اسلام! بر اینان گواه می‌آوریم؛ و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی و هدایت و رحمت و مزدهای برای تسلیم‌شدگان به فرمان‌های خداست.

ج) رحمت

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. (نحل / ۶۴)

ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه حقایقی را که در آن اختلاف کرده‌اند، برای آنان توضیح دهی تا از آراء، نظریات و سلیقه‌های باطلشان نسبت به حقایق دست بردارند و برای مردمی که ایمان دارند مایه هدایت و رحمت باشد.

د) بلاغ للناس

هَذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَ لِيُنذِرُوا بِهِ وَ لِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَ لِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ. (ابراهیم / ۵۲)

این قرآن یا آنچه در این سوره است پیامی برای همه مردم است، برای آنکه به‌وسیله آن هشدار داده شوند و با تدبیر در آیاتش بدانند که او معبودی یگانه و یکتاست و تا خردمندان، متذکر حقایق و معارف الهیه شوند.

هـ) عظیم

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ. (هجر / ۸۷)

و به راستی که هفت آیه از مثانی یعنی سوره حمد و قرآن بزرگ را به تو عطا کردیم.

و. آیه وصف آیه، پر رنگ‌ترین و برجسته‌ترین ویژگی قرآن است. (بقره / ۲۵۲)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِلُهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ. (بقره / ۲۵۲)

اینها آیات (و نشانه‌های توحید و قدرت) خداست که به حق و راستی بر تو می‌خوانیم و حقا که تو از فرستادگانی.

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (آل عمران / ۱۰۱)

و چگونه کفر می‌ورزید درحالی که آیات خدا بر شما خوانده می‌شود و فرستاده او در میان شماست؟! و هر کس به خدا تمسک جوید حقا که به راه راست هدایت شده است.

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِلُهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَيَأْتِي حَدِيثٌ بَعْدَ اللَّهِ وَأَيَّاهُ يُؤْمِنُونَ. (جاثیه / ۶)

اینها (این آیات کتاب و آیات انفسی و آفاقی) آیات خداست که به حق و درستی بر تو می‌خوانیم، پس (اگر اینها را نپذیرند) به کدام سخن بعد از (سخن) خدا و نشانه‌های او ایمان می‌آورند؟!

قرآن در گفتمان قرآنی هویتی الوهی و من عندالهی دارد و به روشنی و وفور بر آیه بودن آن

تصریح دارد.

مقایسه دو گفتمان

۱. مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخصه جهان‌نگری قرآن، آیت‌اندیشی است. در این جهان‌نگری همه هستی بدون استثنا و به یکسان آیه است. شأن آیه هم حکایت‌گری و دلالت است. اینکه رخدادهای اعجاز‌آمیز نیز همچون همه رخدادهای دیگر «آیه» تلقی می‌شوند، بی‌دلیل و بی‌وجه نیست. قرآن از ما می‌خواهد این حوادث خارق‌العاده را آیه ببینیم نه چیز دیگر؛ اما در گفتمان پساقرآنی جای جهان‌نگری قرآن را گفتمان جدلی کلامی پر کرده است و عنوان «معجزه» بسیار متناسب آن است.

۲. آیات در گفتمان قرآنی، کارکردی خداشناسانه دارند؛ اما معجزات در گفتمان پساقرآنی، در ذیل نبوت طرح می‌شوند و کارکردشان اثبات صدق نبی است و این، چرخش مهم و معناداری است. به باور نگارندگان، تفاوت‌های دیگری که شاهد آن بودیم، همگی ناشی از همین چرخش است.

سخن پایانی

چنین به نظر می‌رسد گفتمان‌ها زاده مقتضیات تاریخی و موقعیت‌های خاص هستند. گفتمان قرآنی، با عنایت به موقعیت تاریخی و شرایط مخاطبان، دغدغه توحیدی داشت. اما گفتمان پساقرآنی، با عنایت به ظهور نبوت جدید و دغدغه شکل‌گیری و تثبیت و گسترش دین جدید و چالش با ادیان و

نبوت‌های پیرامونی و پیشین، طبیعی است که امکانات، ظرفیت‌ها و توجه خود را به مقوله نبوت و کتاب معطوف و متمرکز کند. از این رو، در چنین هنگامه‌ای هیچ مناقشه درخور توجهی در باب توحید رخ نمی‌دهد که لازم آید آیات و نمودهای بی‌شمار خداوندی را پیش چشم منکران بیاورند. لذا اندیشه اعجاز برای تثبیت نبوت و دین جدیدی به کار گرفته می‌شود و در این بستر تاریخی، قرآن معجزه پیامبر خاتم یا معجزه ختمیه قلمداد می‌شود؛ بنابراین، این چرخش گفتمانی نیاز زمانه بوده است و چه بسا انحراف دانستن آن بر بصیرت کسی نیافزاید.

منابع و مأخذ

-قرآن کریم.

- ابن حزم، علی بن احمد، ۱۹۸۶ م، *الفضل فی الملل و الالهواء و النحل*، بیروت، دار المعرفة.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۰۸ ق، *المقدمة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن ندیم بغدادی، محمد بن اسحاق، ۱۳۵۰، *الفهرست*، تهران، چاپ رضا تجدد.
- ابوليث سمرقندی، نصر، ۱۴۰۵ ق، *تفسیر القرآن*، به کوشش عبدالرحیم احمدزقه، بغداد.
- ایجی، قاضی عضدالدین، ۱۹۰۷ م، *المواقف فی علم الکلام*، در: سید شریف علی بن محمد جرجانی، *شرح المواقف*، بی‌جا، منشورات الشریف الرضی.
- باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب، ۱۹۴۷ م، *التمهید*، قاهره، دار الفکر عربی.
- باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب، ۱۹۵۸ م، *البيان فوق بین الفروق*، بیروت، المكتبة الشریقة.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، ۱۳۶۱، *دلائل النبوة*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، ۱۴۱۹ ق، *رسالة شافية فی الاعجاز*، بیروت، دار الفکر العربی.
- جصاص، احمد بن علی ابوبکر رازی، ۱۴۰۵ ق، *تفسیر احکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث الاسلامی.
- جوینی، عبدالملک، ۱۹۵۰ م، *الارشاد الی قواطع الادلة فی اصول الاعتقاد*، تحقیق محمد یوسف موسی و علی عبدالمنعم عبدالحمید، مصر، مكتبة المثنی بغداد.
- حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، ۱۳۸۳، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، ترجمه محمد اکوان، قم، نورالتقلین.

- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۰۷ ق، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح و تعلیق حسن حسن زاده آملی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- حمصی، نعیم، ۱۴۰۰ ق، *فکرة اعجاز القرآن من البعثة النبویة الی عصرنا الحاضر*، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- خدادادیان، اردشیر، ۱۳۸۸، *تاریخ مصر باستان*، تهران، سخن.
- دیاری بیدگلی، محمد تقی، ۱۳۸۵، *درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی*، قم، دانشگاه قم.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۹۸۵ م، *نهایة الایجاز فی درایة الاعجاز*، بیروت، دار العلم المالین.
- زجاج، ابواسحاق ابراهیم، بی تا، *معانی القرآن و اعرابه*، تحقیق عبدالجلیل، عبده سلبی، بی جا.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۸ ق، *معتزک الاقرآن فی اعجاز القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- شریعتی، محمد تقی، بی تا، *وحی و نبوت*، تهران، حسینیه ارشاد.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۶۰، *مباحثی در وحی و قرآن*، قم، بنیاد علوم اسلامی.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۶۶، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۶۷، *اعجاز از نظر عقل و قرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، بی تا، *تلخیص المحصل المعروف به نقد المحصل*، بیروت، دار الاضواء.
- غزالی، محمد بن محمد، ۱۹۶۹ م، *المنقذ من الضلال*، بیروت، منشورات اللجنة اللبنانية.
- فضایی، یوسف، بی تا، *سیر تحولی دین مسیح و یهود*، تهران، عطایی.
- قاسم پور، محسن، ۱۳۹۰، *اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل*، تهران، هستی نما.
- کریمی نیا، مرتضی، ۱۳۹۲، «ریشه های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست»، *مجله پژوهش های قرآن و حدیث*، سال ۴۶، ش ۱، تهران، دانشگاه تهران.
- ماتریدی سمرقندی، محمد بن محمد بن محمود، ۱۹۸۶ م، *کتاب التوحید*، تحقیق فتح الله خلیف، بیروت، دار المشرق.
- مارتین، ریچارد، ۱۳۷۰، *مدخل همتا پذیری دایرة المعارف قرآن*، تهران، احسان.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۵، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار*، نیستان.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، *آشنایی با قرآن*، تهران، صدرا.

- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، نبوت، تهران، صدرا.
- مکدر موت، مارتین، ۱۳۶۳، اندیشه کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران، بی‌نا.
- مؤدب، سید رضا، ۱۳۸۶، اعجاز قرآن، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- موسوی اندرزی، نرجس، ۱۳۹۱، «بررسی تطبیقی مفهوم و کارکرد آیه در قرآن و عهدین»، رساله دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران.
- نجاشی اسدی کوفی، احمد بن علی، ۱۴۰۷ ق، الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، ۱۴۱۵ ق، الوسیط فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، در الکتب العلمیة.
- واسطی بغدادی، احمد بن حسین، ۱۴۲۲ ق، الرجال لابن النضاری، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی